

تغییرات در مقررات کمیته بال



دکتر مهشید شاهچرا *



هزینه‌ای، انگیزه به حداقل رسانیدن کفایت سرمایه برای بانک‌ها ایجاد می‌شود و بنابراین اهمیت بازبینی قوانین و مقررات برای بانک‌های بزرگ جهانی مشخص می‌شود.

کمیته بال در سال ۱۹۷۴ در بانک تسویه بین‌المللی، محل ملاقات بانکداران مرکزی بعد از جنگ جهانی اول پایه‌ریزی شد. کمیته بال از اعضای گروه ده (G۱۰) به همراه لوکزامبورگ و اسپانیا تشکیل شده که هر کدام به همراه مسئولان بانک‌های مرکزی خود در آن حضور داشته‌اند. مأموریت اولیه کمیته بال، مقابله با چالش‌های قوانین و مقررات وضع شده با افزایش فعالیت‌های بین‌المللی بانکداری در دهه ۱۹۷۰ بود. در اولین پیشنهاد کمیته بال (بال ۱)، در سال ۱۹۷۵، قوانینی برای اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهای مناسب کشورهای مبدأ و مقصد در رویارویی بانک‌ها با فعالیت‌های برون‌مرزی مطرح شد. در سال ۱۹۸۲ بعد از بحران بدهی در آمریکای لاتین، بانک‌های آمریکایی فشار زیادی بر کمیته بال وارد کردند تا کمیته بال یک چهارچوب مشترک برای الزامات سرمایه برقرار سازد که این امر در باب کفایت سرمایه در سال ۱۹۸۸ به ثمر رسید. توافق ۱۹۸۸

بعد از بحران مالی اخیر درخواست‌های همه‌جانبه برای تنظیم مناسب قوانین و مقررات برای سیستم مالی جهانی به وجود آمد، زیرا قوانین و مقررات مناسب، احتمال وقوع بحران‌های مالی را کاهش می‌دهند. رانجیت لال (۲۰۰۹) در مقاله خود به بررسی دلایل شکست بال ۲ می‌پردازد و علت اساسی بحران مالی کنونی را اصول و مقررات کمیته بال و بالاخص بال ۲ می‌داند. به نظر وی اهداف تعیین شده کمیته بال و بیانیه‌های مختلف آن در سال ۱۹۹۹ به مرور کمرنگ شده‌اند. بانک‌ها باید دارای منابع کافی باشند تا در نوسانات اقتصادی بتوانند دوام بیاورند. در این صورت است که نقش قوانین و مقررات مشخص می‌شود. در صورت فقدان استانداردهای سخت‌گیرانه و الزامات سرمایه کافی بانک‌ها برای پوشش زیان‌هایشان، بدهی‌های آنها از دارایی‌هایشان فزونی یافته و موجب ورشکستگی بانک‌ها می‌گردد. بانک‌ها برای نگهداری کفایت سرمایه بر اساس قوانین و مقررات هزینه پرداخت می‌نمایند و هزینه آنها چشم‌پوشی از سودی است که می‌توانند از طریق گذاشتن همین پس‌انداز در سرمایه‌گذاری سودمند داشته باشند. با وجود چنین

* استادیار گروه بانکداری، پژوهشکده پولی و بانکی.

تعیین کفایت سرمایه و فعالیت‌های جدید ناظران برای ارزیابی عملکرد داخلی بانک‌ها و توافقات جدید میان اعضا برای آشکارسازی میزان سرمایه و وضعیت ریسک‌پذیری آنها در مقایسه با دیگر بانک‌ها در بال ۲ صورت گرفت

دسته‌بندی‌های گروهی در بال ۱ را با جزئیات بیشتر و با نوسان بیشتر در وزن‌دهی ریسکی ایجاد نمود و رتبه‌بندی شرکت‌های رتبه‌بندی بزرگ اعتباری را به‌عنوان عامل اصلی در وزن‌دهی ریسک‌ها در نظر گرفت.

بانک‌ها تحت قوانین و مقررات بال ۲، مجاز به استفاده از روش‌های داخلی برای اندازه‌گیری وضعیت ریسک اعتباری خود شدند. به بیان ساده یعنی به‌جای اینکه به‌صورت استاندارد اعلام شود که ضریب ریسک رتبه A، ۲۰ درصد است، به موجب این نگرش، هر بانک می‌تواند رتبه اعتباری مشتری خود را برآورد کرده و سپس نتایج حاصل از رتبه‌بندی‌های خود را تبدیل به ضریب ریسک نموده و بر اساس آن، حداقل سرمایه مورد نیاز را محاسبه نماید. به همین جهت گفته می‌شود که مقررات جدید از انعطاف‌پذیری بیشتری در محاسبه نسبت کفایت سرمایه برخوردار است.

چهارچوب مقررات بال ۲ ریسک بازار و ریسک عملیاتی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. بر اساس این مقررات، سرمایه بانک باید بتواند زیان‌های احتمالی ناشی از ریسک بازار (کاهش ارزش پرتفوی بانک در اثر تغییر هر یک از متغیرهای اصلی بازار مثل نرخ بهره، نرخ تورم و یا نرخ ارز) و همچنین ریسک عملیاتی (زیان ناشی از ضعف یا سوء استفاده افراد، فرآیندها، سیستم‌های عملیاتی و یا زیان‌های ناشی از رخدادهای وقایع) را نیز بپوشاند. به همین جهت مفهوم جدیدی از سرمایه تحت عنوان «سرمایه اقتصادی» در تعاریف بانکداری وارد شد و به‌تبع آن مفهوم «بازدهی» نیز تغییر یافت و معیار جدیدی تحت عنوان «بازده سرمایه تعدیل شده با ریسک» معرفی شد. برای محاسبه ریسک بازار، مدل‌های «ارزش در معرض ریسک»^۲ و برای سنجش ریسک عملیاتی نیز سه رویکرد استاندارد شده، محاسبه داخلی و روش پیشرفته مطرح شد. در روش ارزش در معرض ریسک، ارزش دارایی‌های معامله شده با توجه به میزان کاهش در ارزش دارایی قبل از اینکه بانک از آن دارایی برای سرمایه‌گذاری استفاده نماید لحاظ می‌شود.

پایین‌ترین حد کفایت سرمایه بر اساس ریسک‌های موزون شده را ۸ درصد اعلام نمود که برای مقابله با ریسک‌های اعتباری در نظر گرفته شد. در اواخر دهه ۱۹۹۰ این توافق به ابزاری ناکارآمد و پرهزینه برای بانک‌ها و ناظران بانکی تبدیل شد، زیرا طبقه‌بندی دارایی‌ها بر اساس ریسک مورد اهمیت قرار گرفت. همچنین قابلیت جایگزینی دارایی‌ها با اوراق بهادار یا اوراق قرضه با نرخ ثابت نیز در نظر گرفته شد که شرایط جدیدی را برای بانک‌ها فراهم می‌آورد.

بنابراین در سال ۱۹۹۹ کمیته بال چهارچوب جدیدی (بال ۲) را با اهداف زیر تعیین نمود:

۱. ترویج امنیت و سلامت سیستم مالی و حفظ سطح کلی سرمایه کنونی در سیستم‌های مالی.
۲. گسترش شرایط تعادلی و رقابت در بازارهای مالی.
۳. ارائه رویکرد جامع‌تر برای شناسایی ریسک‌ها و کنترل آنها.

تعیین کفایت سرمایه و فعالیت‌های جدید ناظران برای ارزیابی عملکرد داخلی بانک‌ها و توافقات جدید میان اعضا برای آشکارسازی میزان سرمایه و وضعیت ریسک‌پذیری آنها در مقایسه با دیگر بانک‌ها در بال ۲ صورت گرفت.

کفایت سرمایه تحت قوانین بال توسط نسبت سرمایه در نظر گرفته می‌شود. بال ۱، دو سطح از سرمایه (سرمایه جزء اول و سرمایه جزء دوم) را تعریف می‌کند.

سرمایه جزء اول شامل سهام تمام پرداخت شده، سهام ممتاز غیرانباشته دائمی و ذخایر افشا شده (اندوخته قانونی، اندوخته عمومی، صرف سهام، سود تقسیم نشده، سهام اقلیت در بانک سرمایه‌پذیر) می‌باشد.

سرمایه جزء دوم نیز شامل سهام ممتاز دائمی انباشته، ذخایر تجدید ارزیابی، ذخایر افشا نشده، ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول و وام‌های غیرمرجح (بدون اولویت) با سررسید بیش از ۵ سال است.

در بال ۱ دارایی‌ها به گروه‌هایی تقسیم‌بندی شده بودند و به هر کدام وزن مخصوص به خود داده شده بود. حاصل ضرب مقدار کل دارایی‌ها در وزن ریسک به تمام دارایی‌ها اضافه شده تا مجموع ریسک کل دارایی‌ها را مشخص کند. درصد وزن‌های ریسک‌ها در محدوده صفر تا صد درصد می‌باشد. (صفر درصد برای سرمایه‌گذاری‌های امن و صد درصد برای سرمایه‌گذاری‌های ریسک‌دارتر). بال ۲ تغییراتی را در محاسبات دارایی‌های موزون شده با ریسک به وجود آورد. بال ۲

بانک‌ها تحت قوانین و مقررات بال ۲، مجاز به استفاده از روش‌های داخلی برای اندازه‌گیری وضعیت ریسک اعتباری خود شدند

داشته باشد و بانک‌ها باید ترازهای مالی و طرح‌های تجاری خویش را با این استانداردها تطبیق دهند.

بانک‌ها دو سال فرصت خواهند داشت تا الزامات پیشنهادی کمیته بال را فراهم آورند، اگر چه پاره‌ای از مقررات مزبور تا هشت سال دیگر قابلیت اجرایی نخواهند یافت. پیشنهاد کمیته بال در خصوص نظارت بر بانک‌ها، دربرگیرنده نظر برنانه، رئیس فدرال رزرو و نمایندگان ۲۶ کشور دیگر، توسط گروهی متشکل از ۲۰ کشور بازنگری شده و به تصویب دولت‌های آنان خواهد رسید. بعضی از تحلیل‌گران صنعت مالی و گروه‌ها بر این نظرند که استانداردهای سخت‌تر، وام‌دهی و رشد اقتصادی را کندتر خواهد کرد. کمیته بال تصدیق نموده است که الزامات جدید، بانک‌ها، به‌ویژه بانک‌های بزرگ‌تر را وادار خواهد ساخت «سرمایه اضافی» خود را به مقدار معتنابهی افزایش دهند، اما آنان اظهار داشته‌اند که ثبات حاصل از برقراری استانداردهای مزبور بر هر گونه اثر بازدارنده بر وام‌دهی، رجحان دارد.

به‌طور کلی این تغییرات عبارت‌اند از:

نسبت‌های سرمایه‌ای بالاتر: حداقل سهام عام از ۲ درصد جاری به ۴/۵ درصد از کل دارایی‌های موزون شده با ریسک افزایش می‌یابد. این افزایش در فاز اول برقراری قوانین و مقررات بال ۳ از اول ژانویه ۲۰۱۳ تا اول ژانویه ۲۰۱۵ اجرایی خواهد شد. الزامات سرمایه درجه اول از ۴ درصد جاری به ۶ درصد افزایش می‌یابد. تغییری در حداقل کل کفایت سرمایه صورت نگرفته است و در سطح ۸ درصد



با توجه به اهداف در نظر گرفته شده در بال ۲ به مرور زمان هیچ یک از اهداف تعیین شده محقق نشده است. در هدف اول اصول کمیته بال سلامت سیستم مالی و حفظ سطح کلی سرمایه کنونی در سیستم‌های مالی در نظر گرفته شده بود. مطابق با مطالعات مرکز بررسی‌های اثرات مقداری^۲ وابسته به بانک تسویه بین‌المللی در زمان اجرای بال ۲ میزان سطح کلی سرمایه نسبت به بال ۱ برای بانک‌هایی که رویکرد نرخ داخلی را استفاده نموده‌اند، در حال کاهش بوده است و این نشان‌دهنده عدم موفقیت در هدف اول کمیته بال می‌باشد. همچنین در دستیابی به هدف دوم یعنی گسترش شرایط تعادلی و رقابت نیز موفقیتی کسب نشد و نهادهای مالی بزرگ‌تر با رویکرد نرخ داخلی، منافع قابل توجهی نسبت به نهادهای مالی کوچک‌تر برحسب تعهدات سرمایه به دست آوردند. تحت چنین رویکردی بانک‌های بزرگ‌تر قادر هستند با سرمایه بیشتر زمینه‌های سودآوری بیشتر را برای خود فراهم آورند در حالی که دیگر بانک‌های کوچک‌تر مجبورند روند معکوس و سودآوری کمتری را داشته باشند و سهم بازار رقابتی را از دست داده و نسبت به بانک‌های بزرگ‌تر آسیب‌پذیرتر باشند.

بال ۲ با توجه به پیشرفت‌های خود در کاهش ریسک بازار و تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار، در ارائه رویکرد جامع در مدیریت ریسک نیز دچار نقصان شده است. بنابراین هدف سوم که ارائه رویکرد جامع‌تر برای شناسایی ریسک‌ها بود نیز محقق نشده است. قوانین و مقررات ریسک‌های مرتبط با دفتر معاملاتی در بال ۲ در نظر گرفته نشده است، علی‌رغم اینکه کمیته بال از افزایش این ریسک‌ها با توجه به اندازه بانک‌ها و فعالیت‌های آنها به‌عنوان نتیجه‌ای از مقررات بال ۱ مطلع بوده است. با استفاده از روش ارزش در معرض ریسک، احتمالات رویدادهای شدید دست‌کم در نظر گرفته شد که خود می‌تواند به‌عنوان یکی از دلایل ایجاد بحران مالی اخیر بیان شود.

با توجه به عدم موفقیت بال ۲ در اهداف اولیه خود و بحران مالی اخیر تغییراتی در قوانین و مقررات بال ایجاد شده است که تحت عنوان قوانین و مقررات بال ۳ مطرح شده است.

مقررات جدید، بانک‌ها را به‌شدت ملزم خواهد کرد تا مقدار سرمایه خود را به‌عنوان ذخیره احتیاطی برای تأمین خسارات احتمالی دوچندان کنند، سود سهام و هزینه‌های اجرایی را در حالتی که ذخیره کاسته شده باشد، قطع کنند و اعطای تسهیلات را در هنگام شکوفایی اقتصادی محدود نمایند. استانداردهای وضع شده می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر مقدار و هزینه اعتبارات قابل استفاده در سراسر جهان



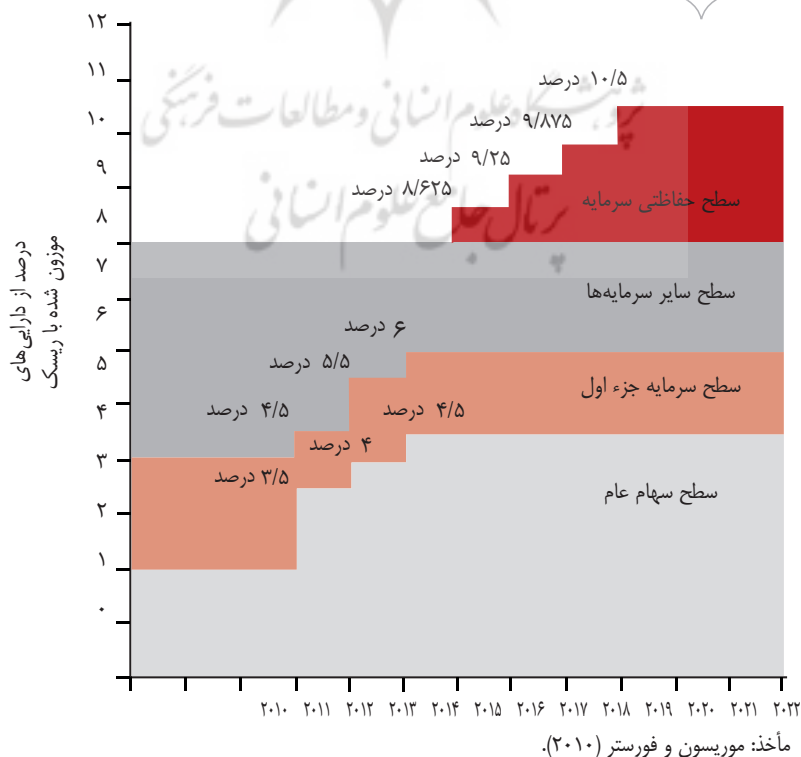
گسترده‌ای برای در نظر گرفتن نسبت بدهی در مباحث تنظیم قوانین و مقررات پیشنهادی بال ۳ به وجود آمده است که این نسبت به عنوان معیار اضافی برای کفایت سرمایه در نظر گرفته شود و بتواند حمایتی را در برابر مشکلات مربوط به وزن‌های ریسک ایجاد نماید. نسبت بدهی به‌طور ساده از تقسیم سرمایه به کل دارایی‌های موزون نشده با ریسک به دست می‌آید. استفاده از نسبت بدهی در تحلیل‌های بانکی از ژانویه سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ مورد بررسی قرار گرفته و شفاف‌سازی آن از سال ۲۰۱۵ صورت خواهد گرفت و مطابق با چهارچوب بال از سال ۲۰۱۸ به صورت نهایی اعلام می‌گردد. حداقل این نسبت در

حداقل سهام عام از ۲ درصد جاری به ۴/۵ درصد از کل دارایی‌های موزون شده با ریسک افزایش می‌یابد. این افزایش در فاز اول برقراری قوانین و مقررات بال ۳ از اول ژانویه ۲۰۱۳ تا اول ژانویه ۲۰۱۵ اجرایی خواهد شد

باقی مانده است. سطح حفاظتی سرمایه (سرمایه حائل) نیز ۲/۵ درصد است. این سطح زیان‌های ناشی از بحران‌های اقتصادی و مالی را جبران می‌کند. بنابراین الزامات جزء اول سرمایه از ۴ درصد بال ۲ به ۸/۵ درصد بال ۳ (۶ درصد حداقل به اضافه ۲/۵ درصد سطح حفاظتی سرمایه) تغییر می‌یابد. الزامات کل سرمایه نیز که از ترکیب سرمایه درجه اول و دوم به دست می‌آید، از ۸ درصد به ۱۰/۵ درصد (شامل ۲/۵ درصد سطح حفاظتی سرمایه) افزایش می‌یابد.

استفاده از نسبت بدهی؛ بحران مالی نشان داد که مشکلاتی در محاسبات دارایی‌های موزون شده با ریسک وجود دارد. علت بروز چنین مشکلاتی استفاده از اطلاعات گذشته و تجربیات تاریخی در روش‌های داخلی بانک‌ها می‌باشد. بنابراین ارزش بسیاری از دارایی‌ها به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد. از این رو توافقات

نمودار ۱- الزامات حداقل سرمایه در بال ۳





نوع سرمایه برای بانک‌ها می‌باشد، بنابراین بانک‌ها فرم‌های ضعیف‌تر و ارزان‌تر سرمایه را جایگزین چنین سرمایه‌ای می‌کنند. لذا بحث بر سر آن است که بعضی یا همه اشکال ضعیف سرمایه‌ای حذف شوند تا دیگر امکان چنین فعالیت‌هایی برای بانک‌ها وجود نداشته باشد.

الزامات سرمایه‌ای بالاتر برای ریسک اعتباری طرف مقابل؛ بحران مالی اخیر همچنین نشان داد که ریسک اعتباری طرف مقابل از چه اهمیتی برخوردار است. ریسک طرف مقابل ریسکی است که هر یک از طرفین قرارداد در صورتی که طرف مقابل تعهدات قراردادی خود را ایفا ننماید متحمل می‌گردد. ارزیابی ریسک طرف قرارداد شامل بررسی وضعیت کلان اقتصادی و صنعت دریافت‌کننده خدمات اعتباری، بررسی سوابق طرف‌های مقابل و پایبندی طرفین به شرایط قرارداد و کفایت وثایق دریافتی و قابلیت به اجرا گذاشتن آنهاست.

لذا کمیته بال تصمیم دارد قوانینی را برای سرمایه‌ای که باید برای چنین ریسکی در نظر گرفته شود تعیین نماید. البته در این میان باید میان مشتقاتی که ریسک اعتباری کمتر و یا بیشتر دارند تفاوت قائل شد.

الزامات سرمایه‌ای ضد دوره‌ای، با توجه به شرایط اقتصادی و سیکل‌های تجاری، حداقل سرمایه‌ای را مشخص می‌سازد که این الزامات در فاصله صفر تا ۲/۵ درصد می‌باشد و از بانک‌ها در برابر مازاد

استفاده از نسبت بدهی در بال ۳ در تحلیل‌های بانکی از ژانویه سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ مورد بررسی قرار گرفته و شفاف‌سازی آن از سال ۲۰۱۵ صورت خواهد گرفت و مطابق با چهارچوب بال از سال ۲۰۱۸ به صورت نهایی اعلام می‌گردد. حداقل این نسبت در سطح ۳ درصد خواهد بود

سطح ۳ درصد خواهد بود.

استفاده از نسبت نقدینگی^۶ و نسبت تأمین مالی خالص^۶

نسبت پوشش نقدینگی مقدار دارایی‌های نقدی مورد نیاز بانک‌ها برای تسویه کردن مجموع همه جریان‌های نقدی در سی روز آینده را نشان می‌دهد. نسبت تأمین مالی ثابت خالص نیز بر چگونگی برابری میان دارایی‌ها و بدهی‌ها تأکید دارد و از اینکه بانک‌ها تأمین مالی‌های خود را در دوره‌های بلندمدت‌تر تنظیم نمایند و بدهی‌هایشان در دوره‌های کوتاه‌مدت‌تر باشد، جلوگیری می‌کند. نسبت تأمین مالی ثابت خالص از تقسیم میزان تأمین مالی ثابت موجود به میزان تأمین مالی مورد نیاز به دست می‌آید. منظور از میزان تأمین مالی ثابت موجود، میزان نقدینگی، سهام و بدهی‌هایی است که دست‌کم در یک سال برای بانک‌ها وجود دارد و میزان تأمین مالی ثابت مورد نیاز مقدار دارایی است که این انتظار برای آنها وجود ندارد که در یک سال بازپرداخت شوند. حداقل سطوح نقدینگی باید بر اساس انواع آزمون‌های بحران با استفاده از استانداردهای مشخص محاسبه شود. نسبت نقدینگی از سال ۲۰۱۵ و نسبت تأمین مالی خالص ثابت از سال ۲۰۱۸ معرفی خواهد شد.

حذف اشکال ضعیف سرمایه‌ای؛ حذف اشکال ضعیف سرمایه‌ای نیز از دیگر راهکارهای پیشنهادی بال ۳ می‌باشد. بحران مالی اخیر نشان داد که برخی اوراق بهادار که ابزارهای سرمایه‌ای پنداشته می‌شدند در این بحران بدون استفاده بودند. سرمایه باید بتواند زیان‌ها را در مواقع ضروری جذب نماید. از این رو پیشنهاد شده است برخی از اشکال سرمایه که این کارایی را ندارند حذف شوند. همچنین ممکن است برخی از انواع سرمایه که برای پشتیبانی و حمایت بانک‌ها استفاده می‌شوند نسبت به دیگر انواع آنها گران‌تر باشند. بنابراین بانک‌ها انواع ارزان‌تر سرمایه را جایگزین انواع گران‌تر می‌کنند. به‌عنوان مثال سهام عمومی قوی‌ترین شکل حمایت سرمایه‌ای و تقریباً گران‌ترین

رشد کل اعتبارات در دوره‌ای حفاظت می‌کند.

بر اساس معیارهای اعلام شده بانک‌ها مکلفاند سطح وام‌دهی خود را کاهش داده و نقدینگی بیشتری را نزد خود حفظ کنند. بدین ترتیب بانک‌ها توان بیشتری برای مقابله با شرایطی را پیدا می‌کنند که وام‌گیرندگان از پرداخت وام‌های دریافتی استنکاف می‌نمایند. البته نظرات متفاوتی در مورد این مقررات پیشنهادی مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد از یک سو با توجه به نیاز اقتصاد جهانی به تزریق نقدینگی، اتخاذ چنین معیارهای سنگینی می‌تواند از سرعت رشد اقتصاد بین‌الملل بکاهد. اما از سوی دیگر، تا حدودی از بروز فاجعه مشابه جلوگیری خواهد شد. از منظر مشتریان بانک‌ها، سطح وام‌گیری افت قابل توجهی خواهد داشت و حجم اعتبارات به علاوه هزینه اخذ وام را برای آنان افزایش خواهد داد. این امر ناشی از تلاش بانکداران برای افزایش حجم ذخایر مؤسسه متبوع خود طی چند سال آتی است. البته برخی نیز معتقدند که این امر با توجه به مهلت زمانی طولانی برای دستیابی به این سطح از ذخایر به بهبود شرایط کلی برای وام‌دهی منجر می‌شود و بدین ترتیب با تأثیر مثبتی که بر فضای اقتصاد جهانی دارد، زمینه‌ساز رشد بهتر و سالم اقتصاد کشورها خواهد شد.

در پایان اهم نکاتی که در مقررات بال ۳ به آن اشاره شده به اختصار می‌آید:

۱. بانک‌ها ملزم به تأسیس واحدی برای ارائه اطلاعات صحیح و دقیق به مشتریان هستند.

۲. هر بانکی با دارایی بیش از ۵۰ میلیارد دلار، ملزم به داشتن یک صندوق احتیاطی است که بر اساس آن باید ۲/۵ درصد سرمایه خود را در آن نگهداری کند تا در صورت بروز بحران توان مقابله با آن را داشته باشد.

۳. هر بانک باید سیستم اخطارهای پیشگیرانه را برای مدیران و مشتریان تعبیه کند.

۴. روش ورشکستگی ملایم برای واحدهایی که توان درست کار کردن را ندارند توصیه می‌شود به نحوی که ورشکستگی حداقل ضرر را به مشتریان و سپرده‌گذاران و سایر مؤسسات مالی تحمیل کند.

۵. تا پایان سال ۲۰۱۸ حداقل نسبت کفایت سرمایه ۱۰/۵ درصد تعیین شده که می‌بایست ۴/۵ واحد درصد آن به صورت نقد باشد.

۶. بر حاکمیت شرکتی و نظارت و رعایت شفافیت و حفاظت از منافع کامل مشتریان و سپرده‌گذاران تأکید می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Risk Adjusted Return on Capital
- 2- Value at Risk (VaR)
- 3- Quantitative Impact Study
- 4- Leverage ratio
- 5- Liquidity coverage ratio : LCR
- 6- Net stable funding ratio : NSFR

منابع و مأخذ

- Panichi, Renato. (2010). *Response to the Basel Committee's Proposals on Bank Capital and Liquidity*. New York: Standard & Poor's Financial Services LLC.
- Lall, R. (2009). Why Basel II Failed and Why any Basel III is Doomed. Global Economic Governance Programme. *GEG working paper*, 52.
- Elliott, D.J. (2010). *Basel III, the Banks, and the Economy*. Brookings Institution, from www.brookings.edu/papers/2010/0726-basel-elliott.aspx.
- Allen, B. Chan, K.K., Milne A., & Thomas, S. (2010). *Basel III: is the cure worse than the disease?* London: Cass Business School, City University.
- Basel Committee on Banking Supervision. (2006). *Results of the Fifth Quantitative Impact Study (QIS-5)*. Basel: Bank for International Settlements.
- Morrison & Foerster. (2010). *The New Global Minimum Capital Standard under Basel III*. from www.mofo.com